

اصل استرداد یا محاکمه در حقوق کیفری بین‌المللی و نسبت آن با اصل صلاحیت

تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی؛ با تأکید بر حقوق ایران

اکبرهوشیاری^۱ امیرحسین بیگلر^۲

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

۲- دانشجوی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

چکیده

استرداد در لغت به معنای بازگرداندن، تسلیم شدن و باز فرستادن، و در اصطلاح حقوقی، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای برگرداندن بزهکار از کشور محل سکونت به کشور محل وقوع جرم صورت می‌گیرد، استرداد موجب می‌شود که اجرای مجازات تبهکار حتمی شود، بدون قاعده، آئین و شرایط استرداد، یک خلاء در اعمال مجازات پیدا می‌شود؛ زیرا بعضی از کشورها از جرائمی که در خاک کشور دیگر ارتکاب می‌یابد خود را بی‌قید نشان می‌دهند و در نتیجه خارجیان گناه کار در اثر مسکن گزیدن در این قبیل کشورها از تنبیه و مجازات ایمن می‌گردند، از طرف دیگر استرداد مجرمین موجب می‌شود که مجرم فراری در دادگاه کشوری که در آنجا جرم واقع شده و پیش از هر مرجع دیگر واجد صلاحیت است در معرض قضاوت درآید در صورتی که اگر مقرر شود در کشوری که مسکن گزیده محاکمه شود دادگاه‌های آنجا بواسطه دوری از محل وقوع جرم قادر نخواهند شد حقیقت واقعه و هویت مرتکب را کشف نمایند. علاوه بر فواید فوق نفع کشور تقاضاکننده اقتضاء می‌کند به مقصری که دستگاه عدالت آن کشور را مورد سخریه قرار داده، دسترسی پیدا نماید، هم چنین نفع کشور پناهگاه در این است که از شر شخصی که ممکن است در خاک آن نیز مرتکب جرم شود رهائی یابد، باتوجه به موارد مذکور یکی از اهداف مجازات، بازدارندگی و احساس عدم امکان فرار از مجازات می‌باشد و عدالت قضایی ایجاب می‌کند که متهمین و مجرمین فراری در سایر کشورها احساس آسایش و امنیت نمایند و چنانچه همکاری بین‌المللی وجود نداشته باشد و بزهکاران بتوانند پس از ارتکاب جرم آزادانه در کشور دیگری زندگی نموده و مصون از تعقیب باشند عدالت دستخوش هرج و مرج خواهد شد لذا با احساس چنین ضرورت و نیازی است که مسأله استرداد مجرمین مطرح می‌شود. هر یک از کشورها مقررات و شرایطی را در رابطه با استرداد مجرمین و صلاحیت رسیدگی به جرایم مجرمینی که در سرزمین آنها یافت می‌شوند تصویب و اصل استرداد مجرمین را با رعایت اصول و ضوابط و اصل حاکمیت ملی خود می‌پذیرند، بنابراین استرداد مجرمین نتیجه اقدامات قضایی و همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با بزهکاری می‌باشد. قانون استرداد مجرمین در ایران در سال ۱۳۳۹ تصویب شد. با بررسی تطبیقی که در قوانین چند کشور صورت گرفته نشان داده که تقریباً متن اکثر قوانین از یک الگوی مشابه تبعیت می‌کند. علت این امر، بین‌المللی بودن موضوع قانون؛ یعنی استرداد است.

کلید واژگان: "استرداد مجرمین"، "بین‌الملل"، "جرم"، "اینترپل" و "اتباع".

مقدمه :

از آنجایی که دولت‌ها برقراری نظم را لازمه استقرار حاکمیت می‌دانند، مبارزه با جرم و جنایت در درون مرزهای یک کشور، از مهم‌ترین موضوع‌ها به شمار می‌آید و حکومت‌ها برای دستیابی به این اهداف و اعمال مجازات، نسبت به بزه‌کاران و بنابراین سرزمینی بودن جرم، قوانین و مقرراتی را تدوین می‌کنند و به تصویب می‌رسانند. با این که تمامی تمهیدات بازدارنده علیه مرتکبین جرم برای ممانعت از فرار به کشورهای دیگر و تعقیب کیفری آنها به کارگرفته می‌شود، در بسیاری موارد، بزه‌کاران پس از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن، به طرق مختلف به فرار از کشوری که در آن مرتکب جرم شده‌اند، مبادرت می‌کنند. هیئت حاکمه طبق اصل لزوم مجازات مجرم، ملزم است براساس قوانین و نظام‌های حکومتی و به منظور صیقلیت جامعه در برابر جرم و پدیده‌های مجرمانه، این دسته از مجرمان را تحت تعقیب کیفری قراردهد. در این مرحله از تعقیب کیفری، اعمال قوانین و مقررات استرداد مجرمان و رعایت تشریفات مربوط به آنها، ضرورت می‌یابد تا متعاقب آن پس از استرداد مجرمان به موجب احکام صادره از مراجع قضایی، مجازات مقرر درباره آنها اجرا گردد. انجام این مهم منوط به وجود امکانات لازم برای تعقیب و دستگیری مجرمان در کشوری دیگر و نهایتاً استرداد آنها به خاک کشور متقاضی است. بر همین اساس، اولین طلیعه تاسیس سازمانی که بتواند از پناه گرفتن مجرمان فراری در گوشه و کنار جهان جلوگیری کند، در افکار جهانی بروز کرد و در سال ۱۹۲۳ کمیسیون پلیس جنایی بین‌الملل جنایی پدید آمد. این کمیسیون بعدها به سازمان پلیس جنایی بین‌المللی تغییر نام یافت. ادارات مرکزی اینترنتی در کشورهای عضو نیز به جدیدترین فناوری پلیسی و تعقیب و مراقبت مجهز گردیده‌اند تا تشخیص هویت جانی و بزه دیده، بادقت بالایی صورت گیرد و مرزهای آبی، هوایی و زمینی کشورها، برای جلوگیری از فرار مجرمان به کشورهای بیگانه، تحت نظارت دقیق ماموران پلیس قرار گیرد با این همه، بزه‌کاران حرفه‌ای، با دستیابی به اوضاع مساعد و بهره‌گیری از فرصت‌ها و اخفا هویت خود، موفق به خروج می‌شوند.

بیان مساله :

از جمله اصول ناظر به حیات جمعی در همه ممالک، قایل بودن به نوعی عدالت کیفری موسوم به ((ممنوعیت بدون مجازات ماندن مجرم)) است، یعنی اشخاص مستحق مجازات و کیفر نباید از نوعی مصونیت برخوردار شده و از مجازاتهای قانونی فرار کنند. از دیر باز تاکنون این امر یکی از مهمترین امور در زمینه اجرای عدالت بوده است، در امر استرداد مجرمین تعامل مثبت بین دولت‌ها، بالاخص کشورهای همسایه می‌تواند در جهت استقرار یک نظام عادلانه کیفری موثر واقع شده، بطوری که هیچ کشوری مامن مجرمین متواری قرار نگیرد. نظر به تحولات بنیادین انجام پذیرفته در سطح جهانی، خصوصاً از حیث موضوعیت یافتن جرائم فراملی و جرائم سازمان یافته و نیز ضرورت انعقاد قراردادهای استرداد با سایر کشورها، و از طرف دیگر بازتابی که هر یک از موارد استرداد مجرمین در سطح جامعه داشته و موجب بالا رفتن ضریب احساس امنیت خواهد شد، لازم است به موضوع استرداد مجرمین در تمام زمینه‌ها بیشتر پرداخته شود و نقایصی که در عمل مانع از انجام درست امور و عدم همکاری بین نهادهای ذیربط می‌شود شناسایی و نسبت به رفع مشکلات موجود اقدام لازم بعمل آید.

سوال اصلی پژوهش :

اصل «استرداد یا محاکمه» در حقوق کیفری بین‌المللی بر چه مبانی قراردادی، عرفی و حقوق بشری استوار است و چه موانعی بر اجرای مؤثر آن در حقوق ایران و نظام بین‌المللی وجود دارد؟

تاریخچه تحقیق :

اندیشه استرداد مجرمان یک امر قدیمی است؛ زیرا استرداد هم به نفع دولت محل وقوع جرم است و هم به نفع کشور محل سکونت متهم یا محکوم علیه. برای دولت تقاضا کننده این نفع را در بر دارد که مجرم را محاکمه و مجازات می کند و بدین وسیله نظم عمومی را که بواسطه وقوع جرم و بدون مجازات ماندن متهم مختل گردیده، تامین می نماید؛ علاوه دیگران در می یابند که پناه بردن به یک کشور خارجی موجبی برا یفرار از کیفر نخواهد بود. برای کشور مسترد کننده، دارای این نفع است که خاک آن، پناهگاه متهمان و مجرمان فراری واقع نمی شود. اجتماع مجرمان کیفر ندیده و اصلاح نشده، امنیت و دفاع ملی را سخت به مخاطره می اندازد. (آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری جلد دوم، ص. ۳۴۲. سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۲)

در بررسی تاریخ ملل گذشته به مواردی بر خورد می کنیم که سابقه تاریخی استرداد مجرمین را بیان می کنند، لیکن در زمانهای قدیم که حقوق بین الملل نمود خارجی نیافته بود، غالباً " تسلیم فراریان بر اثر زور یا ترس انجام می شد . با این حال شواهدی از تسلیم مجرمین فراری بوسیله دولتها به چشم می خورد . مثلاً " آتنی ها اعلام کردند که سو قصد کنندگان به جان فلیپ را که به خاک آنان فرار کرده بودند ، تسلیم خواهند داشت. (شریعت پناهی ، سید کاظم ، استرداد مجرمین، ص. ۱۵ ، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۰).

در رابطه با قرارداد استرداد می توان گفت؛ برای اولین بار قرارداد استرداد مجرمین را اسلام در پانزده قرن قبل ارائه کرده است که بین پیامبر اسلام و ابوسفیان سردسته مشرکین مکه منعقد گردید . (عباسی ، محمود ، استرداد مجرمین، ص. ۲۴ . انتشارات گنج دانش ، تهران ، ۱۳۷۳).

از قدیمی ترین قراردادهای استرداد که در تاریخ ثبت شده، می توان از موافقتنامه ((صلح کادش)) که در سال ۱۲۹۵ بین پادشاه ((هتلیت هاتوشی)) و ((رامسس دوم)) منعقد شده است نام برد . (ترکان، دوموز، استرداد در حقوق ترکیه، ص. ۲۳۲، ترجمه علی اوسط جاوید زاده، مجله حقوقی دادگستری، ش (۲۸ و ۲۹).

همچنین استرداد افرادی که علیه پادشاه قیام می کردند و در صدد محروم نمودن آواز تاج و تخت بودند ، رواج کامل داشت. این استرداد بیشتر برای جلوگیری از لشکر کشی ها و جنگ و خونریزی و پیشگیری از انتقام جویی صورت می گرفت. در روابط ایران و یونان بارها اتفاق می افتاد که یکی از اتباع دو کشور که متهم به بزهکاری، مخصوصاً " کوشش برای بر انداختن سلطنت حکومت وقت بوده ، مسترد می گردید. (آخوندی ، محمود ، آیین دادرسی کیفری جلد دوم ، ص ۳۴۳ . سازمان چاپ و انتشارات ، تهران، ۱۳۸۹).

در قدیم استرداد بیشتر به خاطر جرائم سیاسی و نظامی بوده است؛ در ست بر خلاف امروز که استرداد برای جرائم سیاسی و نظامی قابل پذیرش نیست.

مبناها و تعاریف تحقیق :

تعریف استرداد مجرمین :

استرداد مجرمین لفظی مرکب است که شامل : استرداد - مجرمین است ، استرداد در لغت به معنی باز پس گرفتن است . و مجرمین، جمع مجرم و مجرم در لغت به معنی قطع کردن ، بریدن ، هر کار زشت و مکروه است . (عمید ، حسن ، فرهنگ فارسی عمید ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۵۸) .

قانون استرداد مجرمین ، استرداد را تعریف نکرده و در سایر قوانین نیز تعریفی از استرداد دیده نمی شود . اما اصطلاح حقوقی ((استرداد)) از مفهوم لغوی خود دور نبوده و به مجموعه اقداماتی گفته می شود که برای برگرداندن بزهکار از کشور محل سکونت به کشور محل وقوع جرم صورت می گیرد .

مرحوم دکتر عبدالحسین آبادی استرداد را چنین تعریف کرده است : ((استرداد عبارتست از آیینی که کشور متقاضی (که غالباً در خاک آن جرم ارتکاب شده) راجاز می سازد از کشور دیگری ، تسلیم مجرم یا محکومی که در خاک آن مامن گزیده را خواستار شود)) .

در تعریفی دیگر: تسلیم متهم یا محکوم علیه از طرف کشوری که مرتکب پس از ارتکاب جرم به آن پناه برده ، به کشوری که حق محاکمه و یا محاکمه و یا مجازات او را دارد ، استرداد نامیده می شود . در خواست کننده را متقاضی و طرف مقابل را متقاضی عنه می گویند.

اصل حاکمیت دولت‌ها ایجاب می کند که هر دولت در مورد تعقیب یا عدم تعقیب جرایمی که در قلمرو همان کشور اتفاق افتاده است تصمیم بگیرد. با این ترتیب این امکان وجود دارد که مجرمی که به داخل خاک کشور دیگر وارد می شود از مجازات اعمال خود معاف بماند. از طرف دیگر حتی در صورتی که کشوری که مجرم به آنجا فرار کرده، به تعقیب و مجازات جرم ارتكابی خارج از قلمرو خود بپردازد، بدون شک کشوری که مجرم به آنجا فرار کرده است از نظر تعقیب و مجازات جرم ارتكابی ارجحیت دارد. به همین جهت به خاطر آنکه محاکمه و مجازات مجرمین امکان پذیر باشد بین دولت‌های مختلف قرداد استرداد منعقد می گردد .

همچنین اصولاً استرداد هم به نفع دولت متقاضی است و هم به نفع دولت مسترد کننده. استرداد از این جهت به نفع دولت متقاضی است که باعث تسکین افکار عمومی مکانی شده که جرم در آن به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر از این جهت به نفع دولت مسترد کننده است که دولت مذکور از شر عنصر غیرقابل تحملی خلاصی می یابد .

استرداد مجرمین :

استرداد، تحویل یک متهم یا فرد مجرم به کشوری است که متهم یا مجرم در قلمرو آن متهم به ارتکاب جرم یا مرتکب جرم شده است و در کشوری که از آن تقاضای تحویل شد به سر می‌برد.

استرداد مجرمان در اصطلاح عبارت است از "باز پس گرفتن مجرم که از کشوری به کشور دیگر گریخته، به وسیله دولت تقاضاکننده، از دولتی که مجرم به آن جا گریخته است. این عمل مسبوق به توافق و قرارداد دو دولت است.

استرداد مجرمان پس از جنگ جهانی دوم، مورد توجه واقع شد. اولین قوانین بین‌المللی در سال ۱۹۴۵ میلادی در این زمینه تدوین شد. استرداد مجرمان در همه جا به صرف درخواست یک دولت، صورت نمی‌پذیرد، بلکه دارای شرایطی است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

✓ استرداد مجرمان عملی است که بر اساس تقاضای کشوری که جرم در قلمرو آن واقع شده موضوعیت پیدا می‌کند.

✓ متهم یا مجرم باید از کشوری که جرم در آن صورت گرفته به کشور دیگر فرار کرده یا پناهنده شده باشد، تا استرداد موضوعیت پیدا کند.

✓ استرداد زمانی ممکن است که مسبوق به توافق و قرارداد قبلی دو یا چند دولت باشد.

✓ متهم یا مجرمی که تقاضای استرداد وی می‌شود، ممکن است تابع دولت متقاضی یا تابع دولت متقاضی عنه و یا تابع دولت ثالث باشد.

✓ استرداد مجرمان یک اقدام لازم دو یا چند جانبه بین کشورهاست که به منظور اجرای احکام کیفری و قضایی و تأمین نظم و امنیت صورت می‌پذیرد.

موارد قانونی راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ توسط "کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین" صورت گرفته است.

قانون راجع به استرداد مجرمین :

شرایط استرداد :

ماده ۱ - در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده و یا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد.

ماده ۲ - استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع خواهد گردید که شخص مورد تقاضا به اتهام یکی از جرائم مذکور در این قانون مورد تعقیب قرار گرفته یا محکوم شده باشد.

ماده ۳ - دولت ایران می‌تواند بنا بر درخواست دول خارج افراد غیر ایرانی را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند در صورت وجود شرایط زیر به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید.

۱- جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله اتباع آن دولت و یا اتباع دولت دیگر واقع شده باشد.

۲- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد.

۳- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد. مشروط بر این که جرم ارتكابی مضر به مصالح عمومی کشور تقاضاکننده باشد.

ماده ۴ - درخواست رد و یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتين دوم و سوم این قانون فقط در مورد جرائم زیر ممکن است:

✓ در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنائی باشد.

✓ در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط

بر این که حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد در مورد کسانی که محکومیت یافته‌اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از ۲ ماه حبس باشد.

در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می‌شود که عمل ارتكابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازاتهای جنائی و یا جنحه‌ای باشد.

ماده ۵ - در مواردی که شخص مورد تقاضا مرتکب چند جرم شده هر گاه حداکثر مجازاتی که طبق قانون دولت تقاضاکننده برای مجموع جرائم ارتكابی پیش‌بینی شده کمتر از یک سال حبس نباشد استرداد امکان‌پذیر خواهد بود.

ماده ۶ - هر گاه شخص مورد تقاضا قبلاً به علت ارتكاب یکی از جرائم عمومی به بیش از دو ماه حبس محکوم شده و بعداً مرتکب جنحه یا جنایتی شود استرداد امکان‌پذیر است هر چند مجازاتی که به موجب قانون برای جرم بعدی مقرر گردیده کمتر از یک سال حبس باشد و یا محکومیتی که به سبب ارتكاب جرم بعدی یافته کمتر از دو ماه حبس باشد.

ماده ۷ - شروع به ارتكاب جرم از لحاظ استرداد مشمول مقررات مذکور در این قانون خواهد بود.

ماده ۸ - در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد :

۱- هر گاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد.

۲- هر گاه جرم ارتكابی از جرائم سیاسی باشد و یا اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده باشد.

در مورد اختلافات و جنگهای داخلی استرداد مورد قبول نخواهد شد مگر آن که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگهای داخلی قابل قبول خواهد بود.

سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد بود.

- ۳- هر گاه جرم ارتكابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتكاب یافته و یا اگر در خارج از آن واقع شده مرتكب در ایران مورد تعقیب واقع و یا محكوم گردیده باشد.
- ۴- هر گاه جرم ارتكابی از جرائم نظامی باشد.
- ۵- هر گاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد.
- ماده ۹ - هر گاه چند دولت تقاضا رد مجرمی را به علت ارتكاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می‌شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتكاب یافته است.
- ماده ۱۰ - هر گاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتكاب جرائم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهدداشت تسلیم می‌شود.
- تبصره - حق تقدم در ماده ۹ و ۱۰ با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و تعهدی که دول تقاضاکننده نسبت به رد مجدد مجرم می‌نمایند معین خواهد شد.
- ماده ۱۱ - هر گاه شخص مورد تقاضا در ایران مورد تعقیب قرار گرفته و یا محكوم شده باشد استرداد وقتی به عمل می‌آید که تعقیب کیفری یا اجزاء مجازات خاتمه یافته باشد معهذا دولت ایران می‌تواند شخص مورد تقاضا را موقتاً به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید مشروط بر این که دولت تقاضاکننده متعهد شود پس از خاتمه رسیدگی او را به دولت ایران تسلیم نماید.
- احکام مذکور در این ماده در موردی نیز جاری است که شخص مورد تقاضا به علت امتناع از تأدیه دین توقیف شده است.

ترتیب استرداد :

- ماده ۱۲ - تقاضا رد باید از طریق سیاسی از دولت ایران به عمل آید. تقاضانامه مزبور باید متضمن حکم محکومیت یا قرار جلب به محاکمه یا توقیف یا دستور جلب یا هر گونه اسناد دیگری که دارای اعتبار مدارک مذکور است باشد و جریان اتهام و تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه در آن قید گردد. به علاوه دولت تقاضاکننده باید رونوشت مواد مورد استناد را ضمیمه تقاضانامه استرداد نماید.
- ماده ۱۳ - تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن محل سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود که در جلب و بازداشت او اقدام نمایند.
- ماده ۱۴ - دادستان ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا به عمل آورده و پس از تعیین هویت او و اعلام علت بازداشت پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنحه ارسال می‌نماید.

ماده ۱۵ - دادگاه در جلسه‌ای خارج از نوبت موضوع را مورد رسیدگی قرار داده و پس از استماع اظهارات دادستان و مدافعات شخص مورد تقاضارأی خود را مبنی بر قبول و یا عدم قبول استرداد صادر و مراتب را به وزارت دادگستری و دادستان اعلام خواهد نمود چنانچه رأی دادگاه بر رد استرداد باشد شخص بازداشت شده فوراً آزاد خواهد شد.

شخص بازداشت شده می‌تواند در موقع طرح پرونده در دادگاه وکیل یا مترجم برای خود انتخاب کرده و یا از دادگاه بخواهد که برای او وکیل یا مترجمی انتخاب نماید.

ماده ۱۶ - رأی دادگاه از طرف دادستان و شخص مورد تقاضا ظرف ده روز قابل پژوهش است.

ماده ۱۷ - رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان در جلسه اداری و خارج از نوبت به عمل می‌آید مگر آن که دادگاه حضور دادستان و یا شخص مورد تقاضا را برای اداء توضیحات لازم بداند.

رأی دادگاه استان بر تأیید و یا فسخ رأی دادگاه جنبه قطعی و غیر قابل فرجام است و پس از صدور به وزارت دادگستری اعلام خواهد شد تا طبق مفاد آن اقدام شود.

ماده ۱۸ - چنانچه رأی قطعی و مبنی بر قبول استرداد صادر شود وزارت دادگستری دستور اجراء آن را به دادستان صادر نموده و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت ایران اعلام گردد.

چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه از طرف مقامات دولت تقاضاکننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا به عمل نیاید نامبرده فوراً آزاد شده و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلاً تقاضا شده قبول نخواهد شد.

ماده ۱۹ - هر گاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نمود و رضایت دهد که به دولت تقاضاکننده تسلیم شود مراتب در پرونده امر قید و وزارت دادگستری نسبت به استرداد اقدام مقتضی به عمل خواهد آورد.

ماده ۲۰ - در موارد فوری دادستان شهرستان می‌تواند بنا بر درخواست مستقیم مراجع قضایی دولت تقاضاکننده شخص مورد تقاضا را بازداشت نماید مشروط بر این که ضمن تقاضای مزبور قید شده باشد که اوراق استرداد طبق ماده ۱۲ این قانون تنظیم و ارسال خواهد گردید.

تقاضای استرداد و ارسال اوراق باید از طریق سیاسی و در همان موقعی که درخواست بازداشت می‌شود به عمل آید.

ماده ۲۱ - در مواردی که دادستان طبق مقررات ماده ۲۰ اقدام به بازداشت شخص مورد تقاضا می‌نماید باید مراتب را فوراً به وزارت دادگستری اطلاع دهد.

ماده ۲۲ - چنان چه از تاریخ بازداشت شخص مورد تقاضا ظرف مدتهای مذکور در این ماده اوراق استرداد واصل نشود شخص مورد تقاضا طبق دستور دادستان آزاد خواهد شد و چنانچه بعداً اوراق استرداد واصل شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد مدتهای مذکور برای مملکت همجوار ایران یک ماه و برای سایر ممالک دو ماه خواهد بود.

ماده ۲۳ - شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی‌توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار داد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده. دولت ایران می‌تواند بنا بر درخواست دولت تقاضا کننده رضایت خود را نسبت به تعقیب و یا اجراء مجازات اعلام نماید هر چند جرم ارتكابی از جرائم مذکور در ماده ۴ این قانون نباشد.

ماده ۲۴ - در مواد مذکور در ماده قبل درخواست اعلام رضایت باید به ترتیب مذکور در ماده ۱۲ این قانون به عمل آید. رسیدگی به درخواست در دادگاهی که نسبت به استرداد اظهار نظر نموده به عمل خواهد آمد دادگاه پس از رسیدگی به مدارک رأی خود را مبنی بر موافقت یا عدم موافقت یادخواست اعلام می‌نماید رأی دادگاه در این مورد قطعی بوده و به ترتیب مذکور در این قانون به دولت درخواست‌کننده اعلام خواهد شد.

ماده ۲۵ - چنانچه دولتی بخواهد شخصی را که از دولت دیگر استرداد به طور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد باید بدو از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید.

اجازه عبور از طرف وزارت امور خارجه به شرط معامله متقابل داده خواهد شد.

ماده ۲۶ - هزینه استرداد و عبور به طور ترانزیت با دولت تقاضا کننده است.

ماده ۲۷ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

قانون فوق که مشتمل بر بیست و هفت ماده و یک تبصره است در تاریخ چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ به تصویب کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین رسیده است (به موجب قانون اجازه اجراء لوایح پیشنهادی وزیر فعلی دادگستری پس از تصویب کمیسیون مشترک قوانین دادگستری مجلسین) قابل اجراء می‌باشد.

مصادیق جرائم غیرقابل استرداد :

اصل بر قابل استرداد بودن همه جرائم است ، اما مواردی را می‌توان نام برد که در آن مجرمین به دولت متقاضی مسترد نمی‌شوند که در ذیل به این گونه موارد اشاره می‌شود :

الف - اصل عدم استرداد تبعه :

یکی از قواعدی که در عرف و رویه های جاری استرداد پذیرفته شده، حق امتناع دولت مورد تقاضا از استرداد تبعه خودش است. در این باره ماده ۳ قانون در مورد استرداد مجرمان ایران غیر ایرانی (۱۳۳۹) مقرر می‌دارد : « دولت ایران می‌تواند بنا به درخواست دول خارجه ، افراد را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند به دولت تقاضا کننده تسلیم نماید » .

ب - اصل عدم استرداد در جرائم سیاسی

هم اکنون در کلیه قراردادهای استرداد که بین کشورهای مختلف منعقد می‌شود یا همچنین در قوانین استرداد که از تصویب می‌گذرد، جرائم سیاسی از شمول مقررات استرداد مستثنی شده است. قانون استرداد مجرمان ایران مصوب اصل غیرقابل استرداد بودن جرم سیاسی را لحاظ کرده است. بند ۲ ماده ۸ این قانون بیان

میدارد: هرگاه جرم ارتكابی از جرایم سیاسی بوده یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم نشود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده است.

ج - اصل عدم استرداد در جرایم نظامی

عدم استرداد مجرمین نظامی از لحاظ بین المللی یک اصل پذیرفته شده است. این اصل در قوانین داخلی بیشتر کشورها و در اغلب قراردادهای استرداد مجرمین نیز گنجانده شده است. در یک تعریف عام، جرایم نظامی عبارت است از: قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظایف ارتش که به مناسبت شغل به آن‌ها محول شده است.

د - اصل عدم استرداد در جرائم مشمول عفو و مرور زمان

مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که به موجب قانون، پس از انقضای آن مدت، تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف میشود. مرور زمان بر دو نوع است:

۱- مرور زمان تعقیب ۲- مرور زمان اجرای حکم

قانون استرداد مجرمان ایران در مورد مرور زمان بیان می‌کند: هرگاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضا کننده، تعقیب و مجازات مشمول مرور زمان شده و... استرداد انجام پذیر نخواهد بود.

ه - اصل مجرمیت مضاعف یا اتهام متقابل

یکی از شرایط معمول در قبول استرداد این است که عمل فرد مورد تقاضا باید علاوه بر این که براساس قوانین دولت متقاضی، جرم محسوب شود، طبق قوانین دولت طرف تقاضا نیز جرم محسوب شود. ماده ۴ قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می‌شود که عمل ارتكابی، طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازات‌های جنایی یا جنبه ایی باشد.

روش‌های شکلی استرداد:

روش‌های شکلی استرداد را با توجه به نظام‌های مختلف حقوقی می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد:

۱- سیستم اداری سیاسی

۲- سیستم قضایی

۳- سیستم نیمه قضایی و نیمه اداری.

روش اداری سیاسی :

اقدام با این روش بسیار ساده است. رسیدگی به تقاضا و تشخیص این که شرایط پیش بینی شده مورد رعایت قرار گرفته است یا نه با مقامات اجرایی دولتی است. در حقیقت رسیدگی به شرایط استرداد و احراز وجود آنها یکی از وظایف اجرایی دولت به شمار می آید. در این روش استرداد بدون هیچ گونه تشریفات قضایی به وسیله قوه مجریه انجام می شود به همین جهت مزیت آن را می توان سرعت اجرای استرداد دانست، لیکن از لحاظ احترام به حقوق بشر و آزادی های متهم و حقوق دفاعی، روش مناسبی به نظر نمی رسد.

روش قضایی :

برحسب این روش، بررسی تقاضاهای استرداد و تشخیص وجود یا عدم وجود شرایط لازم با مقامات قضایی است. در این روش به شخص مورد تقاضا اجازه و امکان داده می شود که با تدارک دلایل و مدارک لازم از خود دفاع و اگر شرایط استرداد وجود نداشته باشد، آن را اعلام کند، حتی متهم برای دفاع از خود می تواند وکیل انتخاب کرده و آزادی مشاوره با وکیل را داشته باشد. بدیهی است که طرز رسیدگی در سیستم قضایی بیشتر با اصول آزادی وفق می دهد، لیکن باید دانست روش مذکور دارای معایبی نیز هست، که طولانی شدن اجرای استرداد به دلیل طی کردن کامل مراحل دادرسی در محاکم کشور متقاضیّ عنه از جمله معایب این روش است.

روش نیمه قضایی و نیمه اداری :

امروزه اکثر کشورهای جهان از این سیستم در استرداد استفاده می کنند. سیستم مختلط با هدف حفظ و جمع مزایای هر دو سیستم و حذف معایب آن امروزه به عنوان یک سیستم کارآمد در اکثریت کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. در فرآیند پدیده استرداد هم باید اعمال اداری و ملاحظات سیاسی و هم برای تضمین آزادی ها و حقوق متهم، تشریفات قضایی در نظر گرفته شود.

البته بایستی بدین نکته اشاره شود که در برخی سیستم ها، جنبه قضایی در استرداد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در برخی از سیستم ها جنبه اداری و سیاسی بیش تر مورد نظر است و آرای قضایی برای اس ترداد یا عدم استرداد جنبه مشورتی برای دولت دارد. به نظر می رسد روش معمول در ایران نیز روش مختلط است، در این روش مقدمات و عمل بازگرداندن اداری و اجرایی است، یعنی به واسطه دخالت وزارت امور خارجه و پلیس است که مقدمات و استرداد انجام خواهد شد، ولی تصمیم گیری راجع به بررسی وجود شرایط استرداد با قوه قضائیه است و دادگاه باید رسیدگی کند که آیا شرایط استرداد وجود دارد یا نه؟

مبانی استرداد مجرمین :

مبانی استرداد مجرمین بشرح موارد ذیل می باشد:

معاهدات بین دولت‌ها :

معاهدات بین المللی نه تنها در مورد استرداد مجرمین بلکه در تمام عرصه‌های بین المللی منبع و مبنای به رسمیت شناخته شده است. در مورد طرح کمیسیون حقوق بین الملل، حقوق قراردادها مورخ ۱۹۶۲ قرار داد را چنین تعریف کرده است: هرگونه توافق بین المللی مدون که در یک سند یا در دو یا چند سند الحاقی ذکر شده و بین دو یا چند دولت و چند موضوع حقوق بین الملل منعقد گردیده و حقوق بین الملل برآن حاکم باشد، بدون توجه به نام خاص آن (قرار داد ، معاهده ، عهد نامه ، پروتوکل ، میثاق ، منشور ، اساسنامه ، اعلامیه ، موافقت نامه های مذهبی ، مبادله یادداشت ها ، یادداشت موافقت و غیره) بعنوان قرار داد ، مورد قبول کمیسیون می باشد . دقت در مفاد ماده ۱ قانون استرداد مجرمان بخوبی می‌رساند که قانون که مظهر اراده یک کشور است نمی‌تواند عهدنامه را که مظهر اراده دو یا چند حاکمیت ملی است از بین ببرد و معاهده بر قانون تفوق و برتری دارد. بنابراین در موارد استرداد، قاضی رسیدگی کننده در هر مورد باید کوشش کند تا حکم مسئله را در قراردادهای موجود بیابد و طبق آن عمل نماید و در صورت نبود قرارداد بین دولت ایران و کشور متقابل و یا لحاظ نشدن جهات لازم در قرارداد، طبق مقررات قانون استرداد مجرمین رفتار خواهد کرد. (آخوندی، محمود ، آیین دادرسی کیفری جلد دوم ، ص ۳۴۳ . سازمان چاپ و انتشارات ، تهران، ۱۳۸۹) .

قوانین داخلی کشورها :

در اکثر کشور های جهان برای استرداد مجرمین قانون وضع نمودند. در ایران نیز قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ راهگشا در این موضوع است .

اصول عمومی حقوق :

اصول عمومی حقوق در تمام عرصه های حقوق بین الملل یک مبنای به رسمیت شناخته شده است ، در استرداد مجرمین هم در عرصه بین المللی این مبنا به رسمیت شناخته شده است. ماده سی و هشت اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی اصول عمومی حقوقی و مستقل حقوق بین الملل قلمداد می شود .

عرف و عادات بین المللی :

عرف و عادات بین المللی نیز از جمله مبانی حقوق بین الملل عمومی بشمار می آید، و در استرداد مجرمین هم مبنا محسوب می گردد همین عرف بین المللی باعث شده که از مدتهای زیادی بین دولتها استرداد مجرمین معمول بوده تا بعداً "قاعده حقوق بین الملل عمومی عرض وجود نموده و بین دولتها در ضمن قرارداد های بین المللی منعقد گردد .

شرط معامله متقابل :

مبنای پنجم استرداد مجرمین شرط معامله متقابل با کشور های دیگر است، که در تمامی معاهدات وقوانین در تمام کشور ها لازم الرعایه است. در بعضی از مواقع نیز مشاهده گردیده که بعضی از دولتها بدون هیچ قانون یا موافقتنامه اصولی، فقط به صرف علل سیاسی از این شرط صرف نظر نموده اند، یا آنجا که قرارداد استرداد یا کنوانسیون وجود ندارد و یا استرداد بر مبنای یک توافق طرفینی امکان پذیر نیست، تنها مبنای استرداد معامله متقابل است.

وظایف عمده اینترپل :

اولین کنگره جهانی پلیس جنایی در سال ۱۹۱۴م در موناکو (فرانسه) برگزار شد. کارشناسان حقوقی و افسران پولیس از ۱۴ کشور جهان تأسیس و ایجاد اداره بین‌المللی سوابق جنایی و امکان فراهم نمودن شیوه‌های استرداد مجرمین را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. اما وقوع جنگ جهانی اول از ادامه و پیشرفت کار جلوگیری نمود.

ماموریت‌های پلیس اینترپول بر اساس موجودیت که در سال فوق حاصل نمود قرار ذیل میباشد :

- ۱- انجام کلیه امور پولیسی در سطح دنیا
- ۲- تهیه بانک اطلاعاتی از اطلاعات واصله از کشورهای عضو در زمینه‌های مختلف از جمله مجرمین بین‌المللی - اموال فرهنگی مسروقه.
- ۳- برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی در زمینه‌های فنی و تخصصی پلیس.
- ۴- تدوین و صدور بولتن‌های تخصصی در زمینه جرایم بین‌المللی.
- ۵- ایجاد ارتباط و هماهنگی با مراجع قضایی کشورها در رابطه با مجرمین متواری از کشوری به کشور دیگر.
- ۶- استرداد مجرمین.
- ۷- پیشگیری و کشف سرقت نظیر سرقت آثار هنری، بانک، سرقت مسلحانه و غیره.
- ۸- مبارزه با مواد مخدر (کشت، تولید، قاچاق، ترافیک و مسیرهای ترانزیت و...
- ۹- کشف موارد جعل مدارک هویتی (پاسپورت، روادید و سایر مدارک).
- ۱۰- کشف جعل پول.
- ۱۱- اقدام برای یافتن گمشدگان بین‌المللی.
- ۱۲- شناسایی اجساد کشف شده.
- ۱۳- تعقیب بین‌المللی.
- ۱۴- ردیابی و شناسایی افراد مورد تقاضا.
- ۱۵- ایجاد ارتباط سریع و آنی با کشورهای عضو که در مواقعی ارزش حیاتی دارد.

- ۱۶- فراهم ساختن امکان مسافرت افسران تحقیق در دوسیه‌های تحت تعقیب عدلی به کشوری که متهم یا متهمین به آنجا متواری شده‌اند .
- ۱۷- هر اموری که مورد مراجعه مراجع انتظامی داخلی کشورها قرار می‌گیرد در صورتی که به خارج از کشور ارتباط یابد.

وظایف کمیته اجرایی اینترپل:

- مطابق ماده ۱۵ اساسنامه اینترپول کمیته اجرایی مرکب از رئیس سازمان، سه معاون رئیس و نه نفر نماینده می‌باشد که با دو سوم اکثریت آرای مجمع عمومی از میان نمایندگان انتخاب می‌شوند. کمیته اجرایی ارگان تصمیم‌گیرنده با مسئولیت محدود برای سازمان می‌باشد در حالی که مجمع عمومی ارگان تصمیم‌گیرنده جامع و مطلق آن است. مطابق ماده ۲۲ اساسنامه، وظایف کمیته اجرایی به شرح ذیل اشاره می‌گردد:
- ۱- نظارت بر اجرای تصمیمات مجمع عمومی .
 - ۲- تهیه اجندا جلسه‌های مجمع عمومی .
 - ۳- ارائه هرگونه برنامه کاری یا پروژه‌های مفید به مجمع عمومی .
 - ۴- اجرای کلیه اختیارات محول شده از طریق مجمع .
 - ۵- کمیته اجرایی می‌تواند اصلاحیه‌هایی برای اساسنامه و دیگر قوانین و مقررات (مقررات کلی، مقررات مالی، مقررات پرسونلی، دستورالعمل حذف اطلاعات پولیسی نگهداری شده توسط سکرتریت ...) را پیشنهاد نماید .
 - ۶- کمیته اجرایی در مورد موضوعات مربوط به امور مالی، تهیه مسوده بودجه، تصویب دستورالعمل کاربرد مقررات مالی، سکرتریت را راهنمایی می‌کند. کلیه تغییر به عمل آمده بودجه در طی سال مالی را تصویب و درباره مجازات‌هایی که به خاطر حق عضویت‌های عقب افتاده در مورد کشورها باید اعمال گردد، تصمیم‌گیری می‌نماید .
 - ۷- کمیته اجرایی نماینده‌ای را برای پست سکرتریت عمومی به مجمع عمومی پیشنهاد می‌نماید.
 - ۸- کمیته اجرایی توسط یکی از اعضای خود در هیأت نظارت بر کنترل داخلی اینترپول حضور می‌یابد.

شرایط مربوط به دولت متقاضی استرداد :

- دولتهای خارجی با رعایت یکی از شرایط زیر می‌توانند از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضای استرداد مجرم را بنمایند :
- ۱- جرم در قلمرو دولت تقاضا کننده و به وسیله اتباع آن دولت یا اتباع دولت دیگری واقع شده باشد .
 - ۲- جرم در خارج از قلمرو حاکمیت دولت تقاضا کننده ولی از ناحیه اتباع آن دولت واقع شده باشد .

۳- جرم انجام یافته از جرائم علیه امنیت و مصالح کشور باشد هر چند در خارج از قلمرو حاکمیت دولت تقاضا کننده و از ناحیه افراد بیگانه صورت گرفته باشد. (شمس ناتری ، محمد ابراهیم ، جزوه درسی حقوق جزای بین الملل ، پردیس قم ، ۱۳۹۱) .

اهم قوانین، عهد نامه ، قرارداد ، موافقتنامه و لوایح استرداد مجرمین از قرار ذیل است :

- ۱- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و افغانستان سال ۱۳۰۷ .
- ۲- عهدنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق ۱۳۱۰ .
- ۳- قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران ۱۳۱۳ .
- ۴- عهد نامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی بین ایران و ترکیه ۱۳۱۶ .
- ۵- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و پاکستان ۱۳۳۹ .
- ۶- قانون استرداد مجرمین ۱۳۳۹ .
- ۷- قرارداد استرداد مجرمین بین فرانسه و ایران ۱۳۴۵ .
- ۸- موافقت نامه همکاری بین ایران و شوروی برای جلوگیری از هواپیما ربایی ۱۳۵۲ .
- ۹- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و جمهوری آذربایجان ۱۳۷۸ .
- ۱۰- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و سوریه ۱۳۸۱ .
- ۱۱- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و ازبکستان ۱۳۸۱ .
- ۱۲- موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و الجزایر ۱۳۸۴ .
- ۱۳- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و اکراین ۱۳۸۶ .
- ۱۴- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و آفریقای جنوبی ۱۳۸۶ .
- ۱۵- قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و ارمنستان ۱۳۸۶ .
- ۱۶- قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و افغانستان ۱۳۸۹ .
- ۱۷- قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و امارات متحده عربی ۱۳۸۹ .
- ۱۸- قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و هند ۱۳۹۰ .
- ۱۹- قانون موافقتنامه همکاری بین ایران و ترکیه در زمینه مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر، جرائم سازمان یافته و تروریسم ۱۳۹۰ .
- ۲۰- قانون معاهده در مورد انتقال محکومین به حبس و همکاری در زمینه اجرای احکام کیفری بین ایران و پادشاهی تایلند ۱۳۹۰ .
- ۲۱- قانون استرداد مجرمین بین ایران و بلاروس ۱۳۹۱ .
- ۲۲- قانون استرداد مجرمین بین ایران و تاجیکستان ۱۳۹۱ .

۲۳- قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق ۱۳۹۱ .

۲۴- لایحه استرداد مجرمین بین ایران و قزاقستان ۱۳۹۱ .

۲۵- لایحه استرداد مجرمین بین ایران و چین ۱۳۹۱.

اجرای احکام خارجی در ایران :

همان‌طور که اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه در نظریه‌ی شماره‌ی ۱۳۷۱/۹/۲۶-۷/۱۰۳۰۴ بیان داشته است: «با توجه به قوانین جزائی و اصول محاکمات کیفری از نظر حقوق طبیعی و بین‌الملل اجرای احکام کیفری کشورهای بیگانه در جمهوری اسلامی ایران مجوز قانونی ندارد و به همین علت در قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران، قوانین و مقرراتی در مورد اجرای احکام جزائی و قرارهای صادره از دادگاه‌ها یا دادسراهای کشورهای خارجی پیش‌بینی نشده است» .

علاوه براین در اجرای ماده‌ی ۷ ق.م.ا چنین محکومینی پس از یافت شدن در ایران، علی‌رغم تحمل کیفر در خارج از کشور طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهند شد .

نیابت قضایی :

انجام نیابت قضایی با توجه به قانون تعاون قضایی ۱۳۰۹ و مواد ۴ و ۵ امور حسبی ممکن است. ماده‌ی ۲۹۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امر مدنی نیز بیان می‌کند: «در مواردی که تحقیقات باید خارج از کشور ایران به عمل آید، دادگاه در حدود مقررات معهود بین دولت ایران و کشور مورد نظر، به دادگاه کشوری که تحقیقات باید در قلمرو آن انجام شود نیابت می‌دهد تا تحقیقات را به عمل آورده و صورت مجلس را ارسال دارد .

درمقابل دادگاه‌های ایران نیز می‌توانند به شرط معامله‌ی متقابل، نیابتی که از طرف دادگاه‌های کشورهای خارجی راجع به تحقیقات می‌شود به موجب ماده‌ی ۲۹۲ همان قانون قبول کنند.

نحوه رسیدگی به استرداد در ایران :

برای رسیدگی به تقاضای استرداد، در ایران از روش قضایی تبعیت شده است . بموجب ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین :

تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد. در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد، پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد، به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود، که در جلب و بازداشت اواقداً نماید .

نقش دادستان :

دادستان عمومی ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت، تحقیقات لازم را از شخص مورد تقاضا بعمل می آورد و پس از اقدامات لازم پرونده امر را به دادگاه صالحه می فرستد. همچنین دادستان عمومی می تواند، در موارد فوری، بنا به درخواست مستقیم مراجع قضایی کشور تقاضا کننده، شخص مورد تقاضا را بازداشت کند؛ مشروط به اینکه در تقاضنامه قید شده باشد که اوراق و مدارک استرداد ارسال خواهد شد .

رسیدگی در دادگاه :

دادگاه در جلسه ای خارج از نوبت، موضوع را مورد بررسی قرار می دهد. شخص بازداشت شده به هنگام طرح پرونده در دادگاه می تواند برای خود وکیل مدافع و در صورت نیاز مترجم انتخاب کند. چنانچه رای دادگاه بر رد استرداد صادر شود، شخص بازداشت شده باید فوراً "آزاد گردد؛ و اگر رای قطعی مبنی بر قبول استرداد باشد، وزارت دادگستری دستور اجرای آن را به دادستان صادر می کند و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت تقاضا کننده اعلام کند .

اجرای حکم استرداد :

با توجه به ماده ۱۸ قانون استرداد مجرمین، اجرای حکم استرداد با دادستان عمومی است (دادستان حوزه دادگاه صادر کننده حکم)؛ چنانچه ظرف مدت یکماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه، از طرف مقامات دولت تقاضا کننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا بعمل نیامد، نامبرده فوراً "آزاد می شود و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلاً" تقاضا شده قبول نخواهد شد .

عبور ترانزیت و هزینه استرداد :

اگر دولتی بخواهد شخصی را که از دولت دیگر استرداد نموده است بطور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد برابر ماده ۲۵ قانون استرداد مجرمین باید بدو از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. هزینه استرداد و عبور ترانزیت طبق ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین به عهده دولت تقاضا کننده است. اجازه عبور ترانزیت از طرف وزارت امور خارجه، به شرط معامله متقابل داده می شود .

موانع استرداد در قوانین بین الملل :

۱. منع استرداد اتباع داخلی: مقنن بر اساس مواد ۳ و ۵ و ۷ قانون مجازات اسلامی رسیدگی به جرائم ارتكابی اتباع ایران در هر کجا که باشند را تابع قانون مجازات ایران می شناسد. که ماده ۳ و بند ۱ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین نیز صریحاً این موضوع را مورد تأکید قرار داده است. این اصل

که اصلی موکد است، به این معناست که هرگز و در هیچ شرایطی نباید کشوری اتباع خود را که در مظان اتهام هستند و یا حتی حرم آنها اثبات شده به کشور دیگری که صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد استرداد نمایند. البته این اصل باعث سواستفاده‌هایی نیز شده است چنانچه در پرونده اخیر اختلاس سه هزار میلیاردی مرتکب اصلی با اخذ تابعیت کشور کانادا سالها قبل از وقوع جرم، با توجه به دو تابعیتی بودن توانسته از چنگال عدالت کیفری رهایی یابد. (رضایی، محمدرضا، اختلاس، انتشارات پایدار، ص ۲۸، شیراز، ۱۳۹۱).

۲. **منع استرداد مجرمین سیاسی و نظامی:** بزه‌هایی که مرتکبین آن قابل استرداد نیستند جرایم سیاسی و نظامی است طبق سنتی که از قرن پیش بین دولتها معمول شده، مرتکبین جرایم سیاسی و نظامی از استرداد مصون می‌باشند. این روش علاوه بر سنتی بودن، در قراردادهای استرداد مجرمین و نیز قوانین راجع به استرداد، با صراحت قید می‌شود. سو قصد به حیات افراد در هیچ موردی جرم سیاسی محسوب نخواهد شد. (بند ۲ و ۴ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین).

۳. **منع استرداد مرتکبان جرایم کم اهمیت:** از آنجائیکه اعمال قاعده استرداد مجرمین مستلزم صرف وقت و هزینه تشریفات زیادی است لذا مقنن در ماده ۴ لایحه قانونی استرداد مجرمین سال ۱۳۳۹ این موضوع را مورد توجه قرار داده است. به همین لحاظ استرداد در مورد جرایم بی اهمیت، بویژه امور خلافی و جنحه‌های کوچک، پذیرفته نمی‌شود. استرداد برای اعمال مجازات اعدام، قطع اعضا، تنبیهات بدنی، مرگ مدنی و نظایر آن پذیرفته نمی‌شود. (علی آبادی، عبدالحسین حقوق جنایی، ص ۵۲، بانک ملی ایرن، تهران، ۱۳۵۴).

۴. **جرائم مربوط به اختلافات و جنگهای داخلی:** این جرائم متصل یا مربوط به جرائم سیاسی تلقی شده و به همین لحاظ مشمول استرداد نمی‌باشند. (بند ۲ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین).

آثار استرداد :

۱. محدود بودن اختیار دولت تقاضا کننده، بدین معنی که دولت تقاضا کننده حق ندارد شخص مسترد شده را نسبت به جرائم ارتكابی قبل از استرداد که در تقاضا نامه به آن اشاره‌ای نشده، محاکمه نماید و همچنین حق ندارد مجازاتهای خشن و غیر انسانی را در مورد شخص مسترد شده به موقع اجرا گذارد.
۲. انصراف شخص مورد تقاضا از مزایای استرداد، مقررات شکلی و ماهوی مربوط به استرداد در جهت تأمین و حفظ آزادیهای شخص مورد تقاضا است چنانچه متهم و یا محکوم علیه بخواهد از مزایای قانون و

حمایت‌های قانونی خود انصراف نماید دیگر موردی برای ارجاع امر به دادگاه و صدور رأی استرداد باقی نمی‌ماند. (ماده ۱۹ قانون استرداد مجرمین).

موانع استرداد در ایران :

دراجرای استرداد مجرمین موانعی وجود دارد و در موارد بسیاری مجرمینی که مرتکب جرایم سنگینی شده اند و به کشوری پناهنده شده اند به علت وجود چنین موانعی از مجازات و عواقب عمل زشت خود گریخته اند. در این زمینه بحث بسیار طولانی و ریشه یابی موانع موجود نیاز به تحقیقی جداگانه دارد ولی به منظور تکمیل بررسی موضوع استرداد به صورت کلی اشاره ای هم به آن می شود. این موانع به صورتی است که از شکل و قالبی علمی برخوردار نیست زیرا یک سری موارد و شرایطی در اصول کلی بین المللی و اصول پذیرفته شده در رابطه با استرداد وجود دارد که باتوجه به آنها اصولاً از سوی کشورهای درخواست کننده درخواستی به عمل نمی آید. فرضاً چنانچه متهمی مورد درخواست مراجع ایران باشد که تابعیت کشور ترکیه را داراست و در ایران مرتکب جرمی شده و به کشور متبوعش گریخته است ، کشور ما با توجه به اصل «عدم تحویل تبعه» اصولاً درخواست استرداد وی را به عمل نمی آورد ولی ممکن است درخواست تعقیب و مجازات وی از کشور متبوعش به عمل آید. این چنین مواردی مانع محسوب نمی شود، بلکه مواردی هستند که واقعه را از شمول مقررات و شرایط ضروری برای صدور درخواست استرداد خارج می سازند .

موارد موردنظر اموری هستند که در مقررات و معاهدات بین المللی پیش بینی نگردیده بلکه اغلب به صورت معاذیری از سوی کشور مورد درخواست مطرح می شوند و این معاذیر باعث می شود اقدامات استرداد به نتیجه نرسد. درواقع این گونه حرکات دفاع از مجرم و دفاع از جرم و در نتیجه (ظلم به عدالت و اجرای آن) است. یادآوری می شود در سطح کشورهایی که باهم روابط ویژه ای دارند اینگونه بهانه گیری ها دیده نمی شود و برابر گزارش مسؤول بخش استرداد سازمان اینترپول در سمینار آموزشی اکتبر ۱۹۸۹ روزانه ده ها مورد استرداد در سطح کشورهای اروپائی وجود دارد و عملی می شود. مهمترین نمونه چنین اقدامی تحویل طرفداران تیم انگلیسی به مقامات قضائی بلژیک بود که در مسابقه دوجانبه بین تیم مذکور و تیم بلژیک در استادیوم ورزشی (هیسل) بلژیک با اعمال خشونت و درگیری با پلیس بلژیک موجبات کشته شدن چندین نفر از افراد مذکور را با استفاده از بطری های مشروب شکسته فراهم و پس از ارتکاب به انگلیس گریخته بودند. حدود ۴۵ نفر تحویل داده شدند و در مراجع قضائی تحت تعقیب قرار گرفته اند (البته این عده پس از مدت کمی به کشورشان برگردانده شدند) به هرصورت موانع موجود در راه استرداد مجرمین با کشور ما با تمسک به مسایل کیفری است که مختصراً مورد بررسی قرار می گیرد. (مزدرائی، هادی، بررسی تطبیقی قوانین استرداد مجرمین و تشریفات اداری آنها. (سازمان تحقیقات و پژوهشهای ناجا ، تهران ، ۱۳۸۴)

بین کشور ما و ترکیه قرارداد استرداد وجود دارد، وقتی متهمی به کشور مذکور فرار می کند به طوری که اشاره شد از طریق مراجع قضائی به اینترپول تهران و از این طریق به اینترپول آنکارا و ... بعد از چند روز ردیابی و شناسایی می شود و پاسخ داده می شود؛ درخواست از طریق دیپلمات بفرستند، موضوع به مراجع مربوطه اعلام می گردد و مدارک هم فرستاده می شود، چندین بار دیگر هم مکاتباتی در جهت رفع نقص و مدارک و ترجمه آنها و ... صورت می گیرد و بالاخره پس از چندین بار پیگیری پاسخ می دهند که در کشور شما مجازات شلاق وجود دارد؛ تضمین کنید او را شلاق نمی زنید و ... تا او را تحویل بدهیم و با طرح این مطلب موضوع را چندین ماه به تأخیر می اندازند تا متهم فرصت هرکاری را داشته باشد. البته در بدو امر اینترپول کلیه اقدامات را به سرعت انجام می دهد ولی مقامات قضائی کار خود را انجام می دهند و به مسایل دیگر توجهی

ندارند. ضمناً اگر متهم یا فرد فراری تواناییهایی!! داشته باشد پاسخی از اینترپول آنکارا می رسد که مراجع قضائی با استرداد وی به علت تخلف موافقت نکردند. البته دخالت و اعمال نظرهای مقامات سیاسی کشور ترکیه هم مسلماً در این پاسخها و ممانعت ها تأثیر دارد. این است که در حال حاضر چنین استنباط می شود که استرداد مجرمین از پدیده‌های حقوقی به موضوعی سیاسی قضایی تبدیل شده باشد. چنانچه ادعاهایی که در رد درخواست استرداد می آورند موضوعاتی نظیر تعارض قوانین و مجازاتها با اصول بین الملل است. می باید در این باره فکری اندیشید و از طریق مذاکرات حضوری به وضعیت خاتمه داد تا زمینه بهانه گیری ها از بین برود. ترکیه مجازات اعدام دارد، عربستان و کشورهای مسلمان عربی مجازاتهای شلاق و حدود و قصاص دارند و این موضوع در قراردادهای فیمابین آنها ذکر هم می شود ولی با هم مبادله و استرداد مجرم هم انجام می دهند فقط این ادعا را در مقابل کشور ما دارند که شما مجازات شلاق دارید و اینگونه برخوردها می باید مستند و قاطعانه پاسخ داده شود که این اقدام مورد استرداد برخلاف اصول بین المللی است.

اصل «استرداد یا محاکمه (Aut Dedere Aut Judicare)» یکی از ارکان بنیادین حقوق کیفری بین‌المللی است که هدف آن جلوگیری از بخشش (Impunity) عاملان جرایم بسیار خطرناک (مانند نسل کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت) است. این اصل به این معناست که یک دولت اگر عامل چنین جرایمی را در قلمرو خود دارد، یا باید او را به یک دادگاه بین‌المللی یا دولت دیگری استرداد کند، یا اگر استرداد نمی کند، باید پرونده او را برای پیگرد قضایی در دادگاههای داخلی خود مطرح کند.

در ادامه، تحلیل دقیقی از مبانی و موانع این اصل ارائه می دهیم:

۱. مبانی استوارکننده اصل «استرداد یا محاکمه»

این اصل از سه منبع اصلی حقوق بین‌الملل نشأت می گیرد:

الف) مبانی قراردادی (معاهداتی)

بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی، این اصل را به صورت صریح یا ضمنی گنجانده‌اند تا از خلأ حقوقی جلوگیری شود.

کنوانسیون‌های ضد شکنجه و ضد تروریسم: برای مثال، کنوانسیون مبارزه با شکنجه (CAT) سال ۱۹۸۴، مصرحاً بیان می‌کند که دولت‌ها متعهدند یا متهم را استرداد کنند یا بدون تأخیر طرح دعوی قضایی را آغاز کنند.

کنوانسیون‌های ژنو: در مواجهه با «نقض‌های جدی» (Grave Breaches) «در حقوق بشردوستانه، این اصل برای تضمین اینکه جنایات جنگی هرگز بدون مجازات نمی‌مانند، وجود دارد.

(ب) مبانی عرفی (Customary Law)

حتی اگر کشوری عضو یک معاهده خاص نباشد، این اصل به عنوان یک عرف بین‌المللی شناخته می‌شود. رویه قضایی بین‌المللی نشان داده است که برای جرایم *jus cogens* قواعد آمره که هیچ انحرافی از آن‌ها پذیرفته نیست)، دولت‌ها وظیفه دارند از پناهگاه دادن به جنایتکاران جلوگیری کنند. این عرف بر اساس نیاز جامعه جهانی به عدالت و حفظ نظم بین‌المللی شکل گرفته است.

(ج) مبانی حقوق بشری

این اصل از منظر حقوق بشر، با «حق بر عدالت» و «حق قربانیان برای دریافت جبران خسارت» پیوند خورده است. اگر جامعه بین‌المللی اجازه دهد یک جنایتکار به دلیل عدم استرداد، قسر در برود، در واقع حق قربانیان را برای دسترسی به عدالت نقض کرده است. بنابراین، این اصل ابزاری برای حمایت از حقوق بنیادین انسان‌ها در برابر اعمال وحشیانه است.

۲. موانع اجرای مؤثر در نظام بین‌المللی

در سطح جهانی، اجرای این اصل با چالش‌های ساختاری روبروست:

تضاد منافع سیاسی و حاکمیت ملی: دولت‌ها اغلب از استرداد اتباع خود یا افراد تحت حمایت سیاسی خود خودداری می‌کنند و با بهانه «حفظ حاکمیت»، از اجرای پیگرد قضایی خودداری می‌کنند.

تفاوت در تعریف جرم: آنچه در یک کشور «جنایت جنگی» تلقی می‌شود، ممکن است در کشور دیگر یک «اقدام قانونی یا نظامی» دیده شود. این تفاوت در تعریف جرم، مانع از همکاری‌های استرداد می‌شود.

ضعف مکانیسم‌های اجرایی: دادگاه‌های بین‌المللی (مانند ICC فاقد نیروی پلیس مستقل هستند و برای اجرای حکم یا بازداشت متهمان، کاملاً به همکاری و اراده سیاسی دولت‌ها وابسته هستند.

فرآیندهای پیچیده استرداد: فرآیندهای حقوقی استرداد بسیار طولانی، هزینه‌بر و مستلزم رعایت اصول تقابل (Dual Criminality) هستند که می‌تواند باعث فرار متهمان شود.

۳. موانع اجرای مؤثر در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، چالش‌های اجرای این اصل می‌تواند در چند سطح بررسی شود:

عدم تطابق کامل با کنوانسیون‌های بین‌المللی: اگرچه ایران در برخی معاهدات عضویت دارد، اما در برخی دیگر (مانند کنوانسیون مبارزه با شکنجه)، تفاوت‌های بنیادین در تعریف برخی جرایم یا نحوه اجرای مجازات وجود دارد. این عدم تطابق، مانعی برای استرداد یا همکاری قضایی می‌شود.

اصل عدم استرداد اتباع: طبق قانون اساسی و رویه‌های قضایی ایران، استرداد اتباع خود بسیار دشوار و با محدودیت‌های قانونی همراه است. اگر ایران متهمی را استرداد نکند، طبق اصل «استرداد یا محاکمه» موظف است او را خودی محاکمه کند، اما ظرفیت‌های تخصصی و ساختار قضایی برای رسیدگی به «جرایم بین‌المللی پیچیده» ممکن است با استانداردهای جهانی متفاوت باشد.

موانع دیپلماتیک و سیاسی: در پرونده‌های حساس بین‌المللی، مسائل مربوط به روابط دیپلماتیک و حاکمیت ملی می‌تواند بر تصمیمات قضایی سایه بیندازد.

چالش‌های اثبات جرم: جرایم بین‌المللی (مانند جنایات علیه بشریت) نیازمند جمع‌آوری شواهد بسیار گسترده و فرامرزی هستند. در حقوق ایران، فرآیند جمع‌آوری ادله در سطح بین‌المللی و تطبیق آن با قوانین آیین دادرسی کیفری داخلی می‌تواند بسیار پیچیده و زمان‌بر باشد.

اصول بین‌المللی «استرداد مجرمان»:

در حقوق بین‌الملل، دو اصل در مورد استرداد مجرمان، مورد توجه است:

۱- اصل احترام به تعهدات بین‌المللی

بر اساس قرارداد موجود بین دو یا چند کشور، استرداد صورت می‌پذیرد و دولت متقاضی موظف است کاملاً مفاد قرارداد را رعایت نماید، در غیر این صورت، تعهد بین‌المللی کشور مذکور مورد نقض قرار گرفته است. مثلاً، اگر در معاهده قید شده باشد که مجازات اعدام صورت نگیرد یا مجازات بدنی انجام نشود، دولت متقاضی می‌بایستی کاملاً مفاد آن را عمل نماید.

۲- اصل تخصیص

این اصل هم مورد پذیرش بسیاری از کشورهاست؛ به این معنا که، «هر گاه پس از تسلیم مجرم به دولت تقاضا کننده، در اثناء تعقیب معلوم شود که متهم مرتکب جرم دیگری شده و کشور تقاضاکننده از آن آگاه نبوده، که از آن جهت هم تقاضای استرداد نماید، کشور متقاضی نمی‌تواند متهم را به ارتکاب آن جرم تعقیب کند مگر این که رضایت کشوری را که استرداد نموده، جلب نماید.»

در ارتباط با مباحث حقوق بشر، چند سؤال مطرح است:

۱- آیا متهم حق اعتراض نسبت به استرداد خود دارد یا نه؟

۲- آیا متهم حق دفاع از اتهامات خود دارد یا نه؟

۳- آیا مقامات قضایی مکلف به رسیدگی به مدافعات و اعتراضات متهم هستند یا نه؟

عدالت حکم می‌کند که همواره قانون به نفع متهم تفسیر گردد تا حقوق متهم حفظ گردد. این اصل تقریباً در همه کشورها به عنوان یک «اصل حقوقی» پذیرفته شده است. اصل دیگری که در این جا به استناد وجود موافقت نامه دو یا چند جانبه وجود دارد این است که در صورت استرداد متهم به کشور متقاضی، شخص متهم فقط بر اساس اتهامات مذکور در «معاهده استرداد»، قابل تعقیب و محاکمه می‌باشد. در صورتی که متهم به کشور متقاضی تحویل داده شود، نباید بر اساس جرایم دیگر، غیر مفاد معاهده، محاکمه شود و نسبت به آن جرایم، شخص متهم غایب تصور می‌شود.

بنابراین، چنانچه «استرداد مجرمان»، بر اساس این دو اصل، صورت پذیرد هم «حقوق بشر»، که متضمن آزادی‌های فردی افراد است، تأمین شده است و هم حق حاکمیت دولت‌ها رعایت شده است.

به طور کلی، می‌توان سه حالت را برای شخص متهم در نظر گرفت:

اول: متهم پس از فرار از کشور الف به کشور ب، خود با میل و رضایت کامل به کشور الف برگردد و تسلیم مقامات قضایی شود. در این صورت، طبیعی است که اساساً بحث «استرداد مجرمان» مطرح نیست. به عبارت دیگر، جنبه بین‌المللی آن مورد توجه نخواهد بود، بلکه به لحاظ حقوق داخلی کشور الف محاکمه می‌شود. بنابراین، تمام جرایم او، چه جرایم مذکور در معاهده دو جانبه و چه جرایم دیگر، قابل بررسی و مجازات است. در این جا «حقوق بشر»، در رابطه با حقوق فردی افراد، کاملاً رعایت شده است؛ زیرا، فرد بدون وجود اجبار و با رضایت به کشور متقاضی برگشته است.

دوم: ای که شخص بر اساس قوانین استرداد به کشور متقاضی مسترد گردد، ولی در حین محاکمه و بررسی پرونده او، نسبت به جرایم دیگر، غیر از جرایم مندرج در معاهده استرداد، با رضایت وی به سایر اتهامات او رسیدگی شود. در این صورت نیز حقوق بشر در ارتباط با آزادی‌های فردی به لحاظ وجود رضایت متهم، رعایت شده است.

سوم: متهم به کشور مسترد شده، ولی رضایت و تمایلی به رسیدگی به دیگر جرایم خود ندارد. در این صورت، به عنوان یک اصل حقوقی پذیرفته شده، نباید بر خلاف مندرجات تقاضانامه استرداد، محاکمه شود. در غیر این صورت، هم حقوق بشر نسبت به آزادی‌های فردی متهم و هم یک معاهده بین‌المللی نقض شده است. نکته قابل توجه این است که در بحث استرداد مجرمان، به اعتراض متهم توجهی نمی‌شود، بلکه تنها یک سری اصول کلی حقوقی لازم رعایت می‌شود: «هر چند ممکن است مجرمین یا متهمینی، که موضوع استرداد قرار می‌گیرند، به فقدان معاهده استرداد یا عدم رعایت مقررات استرداد و یا این که جرم ارتكابی آنان موضوع

استرداد نیست اعتراض نمایند، لیکن باید توجه داشت که قواعد و شرایط استرداد، برای حمایت از مجرمین و متهمین وضع نمی شود، بلکه از نقطه نظر احتیاجات بین المللی و نیاز جوامع بشری و حفظ امنیت بین المللی و روابط متقابل دول وضع می گردد.»

مواردی که چند دولت حق تقاضای استرداد دارند :

درعمل ممکن است چند دولت استرداد مجرمی را تقاضا کنند مانند گروه ابونضال که آمریکا - انگلیس و ... تقاضای استرداد نموده اند. دراین حالت یا درخواست ها در رابطه با جرم واحدی است که چند کشور در رابطه با آن مطرح میکنند یا برای جرایم متعدد است. در حالت اول دولتی که جرم در آن واقع شده و دولتی که از جرم مذکور زیان دیده اند و در ردیف اول قرارمیگیرند. در صورتی که جرایم متعدد باشد دولت مورد تقاضا معمولاً به دولتی که از عمل شخص مورد تقاضا زیان بیشتری دیده است تحویل میدهد که رسمی بین المللی شده است. دراین مورد ماده ۹ ق ۱۳۳۹ مقرر میدارد:

« هرگاه چند دولت تقاضای رد جرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی بنمایند مجرم مورد تقاضا به دولتی تسلیم میشود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است ». و ماده ۱۰ درمورد جرایم متعدد و درخواست استرداد از سوی چند کشور حق تقدم را در نظر گرفته و حق تقدم هم باتوجه به اهمیت جرم محل وقوع و تاریخ درخواست تعیین میشود. نتیجه گیری :

یکی از مسائل مهم برای دولت ها کاهش جرم است. در این میان، جرم هایی که امنیت یک کشور را به مخاطره می اندازند. از اهمیت بیش تری برخوردارند. در گذشته، جرم بیش تر در چارچوب یک کشور و سرزمین بود، اما با گذشت زمان و پیشرفت علوم و فنون و پیشرفت وسایط نقلیه، جرم از مرزهای سیاسی یک کشور فراتر رفته است. در این میان، سیاستمداران با استمداد از مباحث حقوقی، مسأله «استرداد مجرمان» را وضع نمودند که بر اساس آن، دو یا چند کشور متعهد می شوند که در صورت فرار مجرم، او را به کشور خود بازگردانده و به مجازات برسانند.

در مقابل، مسأله مهمی که در ارتباط با حقوق بشر مطرح است، «پناهندگی سیاسی» است که کشورها از دو جهت با آن روبه رو هستند: یکی، از جهت پناهنده شدن افراد بیگانه به کشور خود و درخواست «پناهندگی سیاسی» و دیگری، از جهت پناهنده شدن افرادی از این کشور به کشور دیگر. در این جا، از یک سو، این کشور به استناد قرارداد «استرداد مجرمان» درخواست ارجاع آن شخص را می کند. از سوی دیگر، کشور مقابل به استناد «پناهندگی سیاسی» و لزوم امنیت برای شخص پناهنده، از ارجاع وی امتناع می ورزد. کلام در این است که آیا این شخص قابل استرداد است یا به عنوان «پناهنده سیاسی»، از استرداد وی جلوگیری می شود؟ آنچه می خوانید بحث از حقوق بشر و استرداد مجرمان و نیز حقوق بشر و پناهندگی سیاسی است.

مهمترین اثر استرداد در این است که زمینه اعمال مجازات در مورد مجرمین فراری را فراهم می‌سازد. وجود مقررات استرداد بخصوص انعقاد پیمانها و معاهده‌های دوجانبه موجب می‌شود که بزهکاران دلخوشی به فرار از مجازات نداشته و با فرار از کشور به منظور فرار از کیفر و تحمل مجازات مرتکب جرم نشوند. در واقع استرداد اقدامی در جهت تثبیت و پشتیبانی از مقررات جزائی و حقوقی کشور هاست که نتیجه آن تثبیت امنیت اجتماع و پیروی از مکتب دفاع اجتماعی می‌باشد که در نهایت اثراتی از نظر پیشگیری از وقوع جرایم را دربر خواهد داشت. بنابراین باید زمینه‌های پس گرفتن مجرمین را از کشوری که بدانجا فرار می‌کنند فراهم نمود و پایه‌های این امر را آنچنان قوی نمود که عملاً "احتمال آن را در حد جلب متهم در داخل کشور رساند. با عنایت به فرضیات اشاره شده در ابتدای پژوهش به نظر می‌رسد، برای اینکه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها به نحو مطلوب صورت گیرد بایستی به طرزی شایسته به مجامع بین المللی، سیستم قضائی ایران، جرایم و مجازاتها معرفی و برای آنان احراز گردد که در جمهوری اسلامی ایران دادرسی‌ها عادلانه صورت گرفته و حقوق مجرمین و متهمین بر طبق اصول کلی پذیرفته شده حقوقی رعایت می‌شود.

اصل استرداد یا محاکمه تلاشی است برای تبدیل کردن جهان به یک فضای "بدون پناهگاه برای جنایتکاران". در حالی که مبانی آن (معاهدات، عرف و حقوق بشر) بسیار مستحکم است، اما اراده سیاسی و هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی همچنان بزرگترین سدهای پیش روی این اصل در سطح جهانی و منطقه‌ای هستند.

منابع :

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۹.
- ۲- آزمایش، سید علی، تقریرات درس حقوق بین المللی کیفری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۳- ترکان، دوموز، استرداد در حقوق ترکیه، ترجمه علی اوسط جاوید زاده، مجله حقوقی دادگستری، ش (۲۸ و ۲۹)
- ۴- حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین الملل جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۴.
- ۵- رضایی، محمد رضا، اختلاس، انتشارات پایدار، شیراز، ۱۳۹۱.
- ۶- شریعت پناهی، سید کاظم، استرداد مجرمین، چاپ حکمت، قم، ۱۳۵۰.
- ۷- شمس ناتری، محمد ابراهیم، جزوه درسی حقوق جزای بین الملل، پردیس قم، ۱۳۹۱.
- ۸- عباسی، محمود، استرداد مجرمین. انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۳.

- ۹- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۰- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۱- مزدرانی، هادی، بررسی تطبیقی قوانین استرداد مجرمین و تشریفات اداری آنها، سازمان تحقیقات و پژوهشهای ناجا، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۲- ولیدی، محمد صالح، بایسته های حقوق جزای عمومی، خورشید، تهران، ۱۳۸۲. ۱۳. سایت سازمان اینترپل استاد حقوق در دانشکده حقوق دانشگاه دکوزایلولازمیر، مترجم علی اوسط جاویدزاده.
- ۱۳- عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، تهران، بانک ملی، ج ۳، ص ۵۱ و ۵۲
- ۱۴- محمدحسین رضائی قوام آبادی، دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه پاریس.
- ۱۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، جلد ۱، شماره ۱۱۲۰۸، ص ۳۲۰
- ۱۶- صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، جلد اول، ص ۱۵۴
- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، پازنگ، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۲۹۷، ص ۲۸۷
- ۱۸- صانعی، پرویز؛ پیشین، ص ۱۵۵
- ۱۹- حسینقلی حسین نژاد، حقوق کیفری بین المللی اسلامی، به نقل از گلدوزیان ص ۱۰۲
- ۲۰- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۴، چاپ دوازدهم، ص ۱۰۲
- ۲۱- ولیدی، محمد صالح؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱